

با تبسمی شیرین به سویم آمد. گلی به دستم داد و گفت دوستت دارم نمی دانستم در جوابش چه باید بگویم اما بی درنگ اینگونه پاسخش دادم از گل خوشم نمی آید. غم جای لبخند بر روی چهره اش نشست چند قطره اشک التیام بخش غمی بود که یکباره به او هدیه کردم. نمی توانستم درک کنم چرا برای ابراز عشق باید به یکدیگر گل هدیه دهیم. او همان گونه هم می توانست به من بگوید دوستم دارد. نمی توانم بفهمم یک شاخه گل چگونه نمایانگر عشق و علاقه ایست که به وسعت دریاست. چگونه می توانیم انقدر بی رحم باشیم که برای ابراز عشقمان زندگی را از گلی سلب کنیم. هر وقت بحث در مورد گل ها به میان می آمد همه می گفتن مظهر عشق، پاکی، علاقه و مهربونی. اما نظر من این است که حتی یک کاکتوس هم نیز می تواند مظهر عشق باشد. دیوانه وار فریاد بر آوردم نمی خواهم اینگونه دوستم بدارید به دشتی رفتم که جز خار و خاشاک چیزی نمی دیدی عشق را به وضوح در بین آسمان، کویر و حتی خارها دیدم. پس چگونه با این بی انصافی بیان می کنید که فقط گل می تواند بیانگر احساس باشد حتی در میان آن کویر بوی خوشی حس می کردم نمی دانستم افکارم تا به چه حد درست است اما با این افکار دل کسانی را آزرده بودم که می دانستم دیوانه وار دوستم دارند. باید با یک عمل به آن ها ثابت می کردم که بدون گل هم می توان گفت دوستت دارم.

واقعا بر ابرام زجر آور است دیدن پرپر شدن گل. نمی دانم باغبان ها چگونه با این همه درد می سازند. خیلی سخت است دیدن نابود شدن دست پرورده ات. آسان نیست اما مجبورند. یادم نمی رود آن باغبان پیر چگونه به هنگام چیدن گل هایش اشک می ریخت. دیدم که قطرات اشکش باعث رشد دانه ای شد. این چرخه ی زندگی اوست. نمی دانم اگر گل بیان احساس شادیست پس چرا به موقع مرگ عزیزانمان گل هدیه می دهیم. طور دیگر هم می توان دلداری داد هم درد بود نمی دانم چرا بر سر مزار مردگانمان گل پرپر می کنیم. کاش می توانستم پاسخ این همه سوال هایم را بدانم. گیج و مبهوتم و مانند گردابی سرگردان اما تصمیم خود را گرفتم تا می توانستم خار و کاکتوس های زیبا جمع آوری کردم. چند بار خاری به دستم رفت اما این بر ابرام زیبا تره چون راه عشق و دوست داشتن نیز دشوار است و گاهی وقت ها مانند رفتن خاری به دست درد ناک. با این کار عشقم بیشتر و مستحکم تر می شد. دسته ای از خارها درست کردم. با همان تبسمی که به سویم آمد به سویش قدم برداشتم نمی دانم چرا در بین میان راه قدم هایم سست شد اما رفتم دسته ی کاکتوس ها را به او هدیه کردم و زیر لب زمزمه کردم تقدیم به تو با یه دنیا عشق.